

Biannual Journal of Applied  
Counseling  
2012, 2(2), 29-44  
Received: 19 Dec 2012  
Accepted: 19 Feb 2013

دو فصلنامه مشاوره کاربردی  
۱۳۹۱، ۲(۲)، ۲۹-۴۴  
دریافت: ۹۱/۸/۲۹  
پذیرش: ۹۱/۱۲/۰۱

نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین باورهای  
غیرمنطقی و مشکلات زناشویی

The moderating role of attachment styles in the relationship  
between irrational beliefs and marital problems

Mohammad Ali Besharat  
Afarideh Tikdarinejad  
Hadi Bahrami Ehsan  
Mohammad Reza Rezazadeh

محمدعلی بشارت\*  
آفریده تیکدری نژاد\*\*  
هادی بهرامی احسان\*\*\*  
سید محمدرضا رضازاده\*\*\*\*

**Abstract**

Marital problems introduce serious challenges for many couples. What is the role of irrational beliefs—as a cluster of intrapersonal variables—in developing such problems? What is the role of the couple's attachment styles toward each other, as an example of interpersonal variables, in decreasing or worsening these problems? In response to these questions, the present study was set up to investigate the moderating role of attachment styles in the relationship between irrational beliefs and marital problems. Participants were 300 married individuals (150 males, 150 females) living in Kerman at the time of the investigation. All the participants were asked to complete the Golombok Rust Inventory of Marital State Questionnaire (GRIMS), the Survey of Personal Beliefs (SPB) and the Adult Attachment Inventory

**چکیده**

مشکلات زناشویی زندگی روزمره تعداد زیادی از زوجین را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. نقش باورهای غیرمنطقی زوجین، به‌عنوان دسته‌ای از متغیرهای درون شخصی، در ایجاد این مشکلات چیست؟ سبک‌های دلبستگی زوجین به یکدیگر، به‌عنوان نمونه‌ای از متغیرهای بین شخصی، چه نقشی در کاهش یا افزایش مشکلات زناشویی دارند؟ در پاسخ به این پرسشها، نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی در این پژوهش بررسی شد. تعداد ۳۰۰ نفر (۱۵۰ مرد، ۱۵۰ زن) ساکن شهر کرمان در این پژوهش شرکت کردند. شرکت‌کنندگان، مقیاس وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (GRIMS)، مقیاس ارزیابی باورهای شخصی (SPB) و مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI) را تکمیل کردند. نتایج پژوهش نشان داد که باورهای غیرمنطقی و سبک‌های دلبستگی ناایمن با مشکلات زناشویی همبستگی مثبت معنادار داشتند. بین سبک

besharat@ut.ac.ir

\* استاد دانشگاه تهران

\*\* کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه تهران

\*\*\* دانشیار دانشگاه تهران

\*\*\*\* استادیار دانشگاه تهران

(AAI). The results showed that irrational beliefs and insecure attachment styles were positively associated with marital problems. In contrast, secure attachment style was negatively associated with marital problems. Insecure attachment styles were positively associated with irrational beliefs, but this correlation was negative for secure attachment style. The results of hierarchical regression analysis showed that attachment styles moderate the relationship between irrational beliefs and marital problems. Based on the results of the present study it can be concluded that the relationship between irrational beliefs and marital problems is not a simple linear one and is moderated by the couple's attachment styles.

**Key words:** attachment, irrational belief, marital relationship

دلبستگی ایمن و مشکلات زناشویی همبستگی منفی معنادار به دست آمد. باورهای غیرمنطقی با سبک‌های دلبستگی ناایمن همبستگی مثبت معنادار و با سبک دلبستگی ایمن همبستگی منفی معنادار داشتند. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که سبک‌های دلبستگی رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی را تعدیل می‌کنند. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی یک رابطه خطی ساده نیست و سبک‌های دلبستگی به‌عنوان متغیرهای تعدیل کننده، این رابطه را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

**واژه‌های کلیدی:** دلبستگی، باور غیرمنطقی، رابطه زناشویی

## مقدمه

ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین رابطه انسانی شناخته شده است. در واقع این رابطه ساختار ابتدایی تشکیل خانواده و پرورش نسل‌های بعد را فراهم می‌کند. رضایت از این رابطه از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. رضایت زناشویی در برخی متون به‌عنوان هماهنگی بین وضعیت موجود و وضعیت آرمانی تعریف شده است (نولر و فینی، ۱۹۹۸). الگوهای ارتباطی کارآمد و صحیح، انتظارات و توقعات به‌جا، افکار متعادل و منطقی، تعهد بالا نسبت به ازدواج، شباهت در علائق، سلاقی و ارزش‌ها، رضایت از رابطه جنسی، مشارکت زن و مرد در همه امور از جمله وظایف خانه، از مهم‌ترین عوامل مرتبط با رضایت زناشویی هستند (پیورکوسکی، ۲۰۰۸). از سوی دیگر، روابط زناشویی معمولاً با مشکلات و نارضایتی‌هایی همراه است که گاه زوجین را دچار تعارض می‌کند.

تعارض زناشویی<sup>۱</sup> هنگامی به وجود می‌آید که موضوعی برای یکی از زوجین رضایت را فراهم می‌کند، در حالی که همان موضوع برای دیگری نارضایتی در پی دارد. از این‌رو، هر یک از طرفین نزاع سعی دارد دیگری را خنثی کند و فرد غالب باشد (یونگ و لانگ، ۱۹۹۸). درجه تأثیر تعارض زناشویی به عواملی چون تکرار<sup>۲</sup>، شدت<sup>۳</sup>، محتوای تعارض<sup>۴</sup>، نحوه حل تعارض<sup>۵</sup>، مدت زمان

1. marital conflict
2. frequency
3. intensity
4. diversity of conflict
5. resolution of conflict

تعارض<sup>۱</sup> و نحوه بیان تعارض، بستگی دارد (سنفورد، ۲۰۰۶). مطالعات نشان داده‌اند که تعارضات زناشویی با تأثیرگذاری بر عملکرد غدد درون ریز، کشنده‌های طبیعی<sup>۲</sup>، تقسیمات سلولی و پاسخ‌های ترمیمی بدن در بروز اختلالات قلبی و عروقی و تضعیف عملکرد سیستم دفاعی نقش دارند (یوچینو، کاسپیو و کیکولت، ۱۹۹۶). همچنین، تعارضات شدید و طولانی‌مدت می‌تواند فرزندان را به اختلالاتی چون افسردگی، گوشه‌گیری، ناسازگاری و اختلالات سلوک دچار سازد، کیفیت عملکرد اجتماعی و تحصیلی آنها را کاهش دهد و انواع مشکلات جسمی را در آنها به وجود آورد (کوان و کوان<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷، ۱۹۹۰؛ به نقل از گاتمن، ۱۹۹۸).

بر اساس دیدگاه شناختی- رفتاری، یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر مشکلات زناشویی، باورهای غیرمنطقی زوجین است (الیس، ۲۰۰۳). به عبارت دیگر، از نقطه نظر شناختی، باور و تفسیری که هر یک از طرفین از رابطه زناشویی، همسر و رفتارهای وی دارند، تعیین‌کننده هیجانها و رفتارهای وی هستند؛ رفتارهایی که ممکن است سازش یافته و رضایت بخش یا سازش نایافته و آسیب‌زا باشند (گاتمن، ۱۹۹۸). مطالعات صورت گرفته نیز نشان داده‌اند که زوجینی که باورهای غیرمنطقی در مورد اهمیت ارتباط، روش‌های مؤثر حل تعارض، اهمیت خانواده و نقش‌های جنسیتی دارند، نسبت به زوجینی که چنین باورهایی ندارند، فروپاشی بیشتری را در روابط زناشویی تجربه می‌کنند (مولر و مرو، ۱۹۹۷؛ همامسی، ۲۰۰۵). همچنین، مطالعات بسیاری در خصوص تأثیر مستقیم باورهای غیرمنطقی افراد در بروز مشکلات زناشویی، همبستگی منفی بین باورهای غیرمنطقی و رضایت و سازگاری زناشویی نشان داده‌اند (آدیس و برنارد، ۲۰۰۱؛ استاکرت و بارسیک، ۲۰۰۳؛ مولر، ریب و نورج، ۲۰۰۱؛ مولر و مرو، ۱۹۹۷؛ همامسی، ۲۰۰۵). اما آیا رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی یک رابطه ساده است، یا متغیرهای دیگری در این رابطه ممکن است نقش تعدیل‌کننده داشته باشند؟ هدف اصلی پژوهش حاضر، یافتن پاسخی برای این سوال است.

مطالعات انجام شده، نشان داده‌اند که بین سبک‌های دلبستگی ناایمن در یک یا هر دو زوج و مشکلات زناشویی رابطه وجود دارد (بشارت، ۲۰۰۳؛ کولینز، ۱۹۹۶؛ گوین، گلاسر، لایونگ، ملارکی، استول و همکاران، ۲۰۰۸). بر اساس نظریه دلبستگی، تجارب والد- فرزند در اوایل کودکی، باعث شکل-گیری سبک‌های دلبستگی و مدل‌های درونکاری<sup>۴</sup> در کودک می‌شود و بدین‌سان انتظارات وی از روابط آینده شکل می‌گیرد (بالبی<sup>۵</sup>، ۱۹۶۹، ۱۹۸۸؛ به نقل از مردیت، اونسورث و استرانگ، ۲۰۰۸). در واقع، کودک بر این مینا که مراقب او مسئول، در دسترس، همیشگی و قابل پیش‌بینی است، دیگران را افرادی قابل اعتماد، مهربان و لایق احترام و ارزش می‌داند و برعکس، اگر از مراقب حمایت کافی دریافت نکرده باشد، دیگران را به‌عنوان افرادی طردکننده و سرد باور خواهد داشت. از طرف دیگر، به اندازه‌ای که

- 
1. duration of conflict
  2. natural killers
  3. Cowan, P. A., & Cowan, C. P.
  4. internal working model's
  5. Bowlby, J.

موضوع دلبستگی، او را ارزشمند می‌دانسته، اکنون خود را لایق احترام و ارزش و اعتماد می‌داند (واردن، پیترز، بری، باروکلاف و لیورساید، ۲۰۰۸).

هازن و شیور (۱۹۸۷) نشان دادند که سبک دلبستگی فرد در کودکی، بر چگونگی روابط رمانتیک وی در بزرگسالی تأثیرگذار است. طبق یافته‌های آنها سبک دلبستگی ایمن با رضایت از روابط زناشویی همبستگی مثبت و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با رضایت زناشویی همبستگی منفی دارند. مطالعات دیگر نیز نشان داده‌اند که افراد با سبک دلبستگی ایمن<sup>۱</sup> در مقایسه با افراد با سبک‌های دلبستگی نایمن (اجتنابی<sup>۲</sup>، اضطرابی- دوسوگرا<sup>۳</sup>)، رابطه عشقی و رمانتیک بهتر و پایدارتری دارند، اعتماد به خود بالاتری دارند، به همسرشان بیشتر اعتماد می‌کنند و تعاملات آنها سازنده‌تر است (بشارت، ۱۳۸۰ الف، ۲۰۰۳؛ فینی و نولر، ۱۹۹۰). در مقابل، افراد با سبک دلبستگی اجتنابی آشکارا از همسر خود دوری می‌کنند و رضایت زناشویی در آنها کمتر است (بشارت، ۱۳۸۰ الف، ۲۰۰۳؛ فینی، ۱۹۹۹؛ گوئین و همکاران، ۲۰۰۸). افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا نیز در تعارضات، بیشتر از دیگران آشفتگی و دچار اختلال می‌شوند (سیمپسون، رولس و فیلیس، ۱۹۹۶). به‌علاوه، مطالعات انجام شده در خصوص چگونگی تأثیر سبک‌های دلبستگی و باورهای غیرمنطقی بر یکدیگر بیانگر این هستند که افراد با سبک دلبستگی نایمن مدل‌های درونکاری ناقصی تشکیل داده‌اند. از این‌رو، باورها، شناخت‌ها و عقاید ناکارآمدی در زندگی خود به کار می‌بندند (استاکرت و باریک، ۲۰۰۳).

بر اساس یافته‌های موجود در خصوص رابطه بین متغیرهای این پژوهش، پیش‌بینی می‌شود که علاوه بر روابط ساده بین متغیرها، سبک‌های دلبستگی بتوانند در رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی زوجین نقش تعدیل‌کننده داشته باشند. تأیید چنین نقشی در روابط بین این متغیرها، مکانیسم‌های تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر مشکلات زناشویی زوجین را به صورت دقیق‌تر شناسایی می‌کند. این یافته‌ها می‌توانند در دو سطح پیش‌گیری و درمان به‌طور مؤثرتر به حل مشکلات زوجین کمک کنند. بر این اساس **فرضیه‌های پژوهش** به این شرح بررسی می‌شوند: (۱) بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی همبستگی مثبت وجود دارد؛ (۲) بین سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن با مشکلات زناشویی زوجین به ترتیب همبستگی منفی و مثبت وجود دارد؛ (۳) بین سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن و باورهای غیرمنطقی زوجین به ترتیب همبستگی منفی و مثبت وجود دارد؛ (۴) سبک‌های دلبستگی رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی زوجین را تعدیل می‌کنند.

## روش

**جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش.** جامعه مورد بررسی در این پژوهش، زوجین ساکن شهرستان کرمان در سال ۱۳۹۰ بودند. نمونه مورد بررسی تعداد ۱۵۰ زوج (۱۵۰ زن و ۱۵۰ مرد)

1. secure attachment style
2. avoidant attachment style
3. ambivalent attachment style

بودند که با توجه به ملاک‌های پیش‌بینی شده برای انتخاب نمونه مثل سن (بین ۲۰ تا ۵۰ سال)، داشتن حداقل تحصیلات دیپلم، مدت ازدواج (۱۰ سال یا کمتر)، نداشتن بیماری‌های جدی پزشکی و روانپزشکی و سابقه طلاق، به روش نمونه‌گیری هدف‌دار انتخاب و پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست<sup>۱</sup>، مقیاس ارزیابی باورهای شخصی<sup>۲</sup>، و مقیاس دلبستگی بزرگسال<sup>۳</sup> را تکمیل کردند. میانگین و انحراف معیار سن نمونه پژوهش ۳۱/۳ و ۶/۲ (میانگین و انحراف معیار سن زنان ۲۸/۵ و ۵/۴ و میانگین و انحراف معیار سن مردان ۳۴/۲ و ۵/۷) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نیز از شاخص‌ها و روش‌های آماری شامل میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

### ابزار سنجش

**پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (GRIMS).** پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (راست و همکاران، ۱۹۸۶) یک مقیاس ۲۸ سوالی است. پرسش‌ها در مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق = ۰، کاملاً مخالف = ۳) مشکلات موجود در روابط زناشویی زوجین را از نمره صفر تا سه در زمینه میزان حساسیت<sup>۴</sup> و توجه زوجین نسبت به نیازهای یکدیگر، تعهد<sup>۵</sup> وفاداری<sup>۶</sup>، مشارکت<sup>۷</sup>، همدردی<sup>۸</sup>، ابراز محبت، اعتماد، صمیمیت<sup>۹</sup> و همدلی زوجین می‌سنجد. حداقل نمره آزمودنی در این مقیاس صفر و حداکثر نمره ۸۴ خواهد بود. نمره تراز شده آزمودنی‌ها در ۹ درجه بر حسب شدت و ضعف مشکلات زناشویی محاسبه می‌شود. در فرم فارسی این پرسشنامه نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برای نمونه‌ای از زنها و ۰/۹۴ برای شوهرها محاسبه شد که نشانه همسانی درونی بالای پرسشنامه است (بشارت، ۱۳۸۰ ب). ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها  $r = 0.77$ ، آزمودنی‌های زن  $r = 0.73$  و آزمودنی‌های مرد  $r = 0.75$  نشانه پایایی باز آزمایی خوب پرسشنامه است.

**مقیاس ارزیابی باورهای شخصی.** مقیاس ارزیابی باورهای شخصی (دماریا، کاسینو و دیل، ۱۹۸۹) یک آزمون ۵۰ گویه‌ای است و باورهای شخصی افراد را در اندازه‌های ۶ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافق = ۱ تا کاملاً مخالف = ۶) بر حسب پنج زیرمقیاس شامل فاجعه‌نمایی<sup>۱۰</sup> (AW)، بایدهای

1. Golombok Rust Inventory of Marital State
2. Survey of Personal Beliefs
3. Adult Attachment Inventory
4. sensitivity
5. commitment
6. loyalty
7. cooperation
8. sympathy
9. intimacy
10. awfulizing

خویشتن محور<sup>۱</sup> (SDS)، بایدهای دیگر محور<sup>۲</sup> (ODS)، تحمل پایین ناکامی<sup>۳</sup> (LFT)، و خودارزش گذاری<sup>۴</sup> (SW) می‌سنجد. از مجموع نمره پنج زیر مقیاس آزمون، نمره کل فرد در خصوص باورهای شخصی محاسبه می‌شود. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در هر یک از زیر مقیاس‌های ارزیابی باورهای شخصی به ترتیب ۱۰ و ۶۰؛ و دامنه نمره کل باورهای شخصی بین ۵۰ و ۳۰۰ خواهد بود. ویژگی‌های روانسنجی این مقیاس، در نمونه‌ای متشکل از هفت صد و شصت و دو نفر از جمعیت عمومی (۳۸۷ زن، ۳۷۵ مرد) مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب آلفای کرونباخ زیر مقیاس‌های فاجعه‌نمایی، بایدهای خویشتن محور، بایدهای دیگر محور، تحمل پایین ناکامی، خودارزش گذاری و نمره کل باورهای شخصی به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۸۳، ۰/۸۷ و ۰/۹۳ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی<sup>۵</sup> خوب مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۱۵۶ نفر از نمونه پژوهش در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای زیر مقیاس‌های فاجعه‌نمایی، بایدهای خویشتن محور، بایدهای دیگر محور، تحمل پایین ناکامی، خودارزش گذاری و نمره کلی باورهای شخصی به ترتیب  $r = 0.78$ ،  $r = 0.81$ ،  $r = 0.83$ ،  $r = 0.73$  و  $r = 0.77$  محاسبه شد و در سطح  $p < 0.001$  معنادار بودند. این ضرایب نشانه پایایی بازمی‌آزمایی<sup>۶</sup> رضایت بخش مقیاس ارزیابی باورهای شخصی است (بشارت، ۱۳۸۶). روایی سازه<sup>۷</sup>، همگرا<sup>۸</sup> و تشخیصی (افتراقی)<sup>۹</sup> مقیاس ارزیابی باورهای شخصی از طریق اجرای همزمان مقیاس افسردگی بک<sup>۱۰</sup>، مقیاس اضطراب بک<sup>۱۱</sup>، فهرست عواطف مثبت و منفی<sup>۱۲</sup> و مقیاس سلامت روانی<sup>۱۳</sup> در مورد آزمودنی‌ها محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در باورهای غیرمنطقی با عواطف مثبت و بهزیستی روانشناختی همبستگی منفی معنادار از ۰/۴۱ تا ۰/۵۶ ( $p < 0.001$ ) و با افسردگی، اضطراب، عواطف منفی و درماندگی روانشناختی همبستگی مثبت معنادار از ۰/۴۷ تا ۰/۶۳ ( $p < 0.001$ ) وجود دارد. این نتایج، روایی همگرا و تشخیصی مقیاس ارزیابی باورهای شخصی را تایید می‌کنند (بشارت، ۱۳۸۶). نتایج تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۱۴</sup> نیز پنج عامل را برای مقیاس ارزیابی باورهای شخصی تایید کرد (بشارت، ۱۳۸۶).

**مقیاس دلبستگی بزرگسال.** مقیاس دلبستگی بزرگسال، که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی

1. self-directed shoulds
2. other-directed shoulds
3. low frustration tolerance
4. self-worth
5. internal consistency
6. test-retest reliability
7. construct
8. convergent
9. discriminant
10. Beck Depression Inventory
11. Beck Anxiety Scale
12. Positive and Negative Affect Schedule
13. Mental Health Inventory
14. exploratory factor analysis

هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته و در مورد نمونه‌هایی از دانشجویان و جمعیت عمومی هنجاریابی شده است (بشارت، ۱۳۸۴، ۲۰۱۱)، یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در اندازه‌های ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی ( $n = 1480$ ; دختر، ۸۶۰، پسر) برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۵، برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۶ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی<sup>۱</sup> خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنیها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی<sup>۲</sup> محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۸۴، برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۲، ۰/۸۵ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۸، ۰/۸۳، ۰/۸۳ محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است. روایی محتوایی<sup>۳</sup> مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پانزده نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی همزمان مقیاس دلبستگی بزرگسال از طریق اجرای همزمان مقیاس‌های "مشکلات بین شخصی" و "حرمت خود کوپر اسمیت" در مورد یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنیها ارزیابی شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنیها در سبک دلبستگی ایمن و زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی منفی معنادار (از  $r = -0.61$  تا  $r = -0.83$ ) و با زیرمقیاس‌های حرمت خود همبستگی مثبت معنادار (از  $r = 0.39$  تا  $r = 0.41$ ) وجود دارد. بین نمره آزمودنیها در سبک‌های دلبستگی ناایمن و زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی مثبت معنادار (از  $r = 0.26$  تا  $r = 0.45$ ) و با زیرمقیاس‌های حرمت خود همبستگی منفی و اما غیر معنادار به دست آمد. این نتایج نشان دهنده روایی کافی مقیاس دلبستگی بزرگسال است. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا، روایی سازه<sup>۴</sup> مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تایید قرار داد (بشارت، ۱۳۸۴، ۲۰۱۲).

### یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است.

- 
1. internal consistency
  2. test-retest reliability
  3. content validity
  4. construct validity

جدول ۱

میانگین و انحراف استاندارد مشکلات زناشویی، باورهای غیرمنطقی و سبک‌های دل بستگی			
متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف استاندارد
مشکلات زناشویی	-	۲۵/۷۴	۱۳/۵۴
باورهای غیرمنطقی	فاجعه نمایی	۲۸/۲۳	۵/۵۷
	بایدهای خود محور	۲۵/۶۳	۵/۶۰
	بایدهای دیگر محور	۲۹/۳۲	۵/۶۵
	تحمل ناکامی پایین	۲۹/۹۷	۵/۸۱
	خودارزش گذاری	۲۹/۴۷	۵/۸۱
	نمره کل باورهای غیرمنطقی		۱۴۲/۶۴
سبک دل بستگی	ایمن	۱۵/۱۱	۳/۱۵
سبک دل بستگی	اجتنابی	۱۳/۸۹	۳/۶۷
سبک دل بستگی	دوسوگرا	۱۴/۲۳	۳/۶۹

برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همان طور که در جدول ۲ آمده است، باورهای غیرمنطقی، سبک دل بستگی اجتنابی و سبک دل بستگی دوسوگرا با مشکلات زناشویی رابطه مثبت و سبک دل بستگی ایمن با مشکلات زناشویی رابطه منفی دارد. باورهای غیرمنطقی با سبک دل بستگی ایمن رابطه منفی و با سبک‌های دل بستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه مثبت نشان داد. این یافته‌ها سه فرضیه اول پژوهش را تأیید می‌کنند.

جدول ۲

ماتریس همبستگی باورهای غیرمنطقی، سبک‌های دل بستگی و مشکلات زناشویی				
متغیر	۱	۲	۳	۴
۱. مشکلات زناشویی	۱			
۲. باورهای غیر منطقی	۰/۲۵**	۱		
۳. سبک دل بستگی ایمن	-۰/۲۰**	-۰/۱۸**	۱	
۴. سبک دل بستگی اجتنابی	**۰/۱۴	۰/۱۲**	-۰/۱۹**	۱
۵. سبک دل بستگی دوسوگرا	۰/۱۵**	۰/۱۱**	-۰/۲۲**	۱۰/۵**

\*\* $p > .01$

برای بررسی فرضیه چهارم از رگرسیون چند متغیره تعدیل گر به روش سلسله مراتبی استفاده شد. همان طور که در جدول ۳ آمده است، نتایج حاصل از رگرسیون سلسله مراتبی در مرحله اول نشان می‌دهد که اثر متغیر باورهای غیرمنطقی بر مشکلات زناشویی معنادار و مثبت است. در مرحله دوم با کنترل باورهای غیرمنطقی، وقتی سبک دل بستگی اجتنابی وارد شد مشخص شد که اثر سبک دل بستگی اجتنابی مثبت و معنادار است. در مرحله سوم، با کنترل متغیرهای باورهای غیرمنطقی و سبک‌های دل بستگی، وقتی اثر متقابل این دو متغیر وارد مدل شد، مشخص شد که اثر تعاملی باورهای غیرمنطقی × سبک دل بستگی



اجتنابی از نظر آماری معنادار است ( $p = ۰/۰۰۵$  و  $\beta = ۰/۱۶۵$ ). این نتایج نشان می‌دهد که سبک دل‌بستگی اجتنابی اثر متغیر باورهای غیرمنطقی را تعدیل می‌کند و در واقع نشان دهنده آن است که معناداری متغیر باورهای غیرمنطقی در دو مرحله قبلی به دلیل لحاظ نکردن اثر تعدیلی سبک دل‌بستگی اجتنابی است. به علاوه، این اثر متقابل نشان می‌دهد با تغییر در سطوح مختلف سبک دل‌بستگی اجتنابی متغیر باورهای غیرمنطقی نیز تغییر می‌کند. همچنین، براساس مقدار  $R^2$  در مرحله اول، ۶ درصد از تغییرات مشکلات زناشویی توسط باورهای غیرمنطقی تبیین می‌شود. در مرحله دوم ۸ درصد از تغییرات مشکلات زناشویی توسط متغیرهای باورهای غیرمنطقی و سبک دل‌بستگی اجتنابی تبیین می‌شود. و در نهایت، در مرحله سوم نیز ۹ درصد از تغییرات مشکلات زناشویی توسط باورهای غیرمنطقی  $\times$  سبک دل‌بستگی اجتنابی (اثر تعدیل‌گر) تبیین می‌شود.

جدول ۳

نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی مربوط به رابطه تعاملی باورهای غیرمنطقی و سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی با مشکلات زناشویی

متغیرهای پیش‌بین	شاخصهای آماری		
	F	R <sup>2</sup>	R
ضرایب رگرسیون	p		
B= ۰/۱۶۱			
$\beta = ۰/۲۵۲$	۲۰/۲۶	۰/۰۶	۰/۲۵
T= ۴/۵۲	۰/۰۰۱		باورهای غیرمنطقی
P= ۰/۰۰۱			
B= ۰/۵۴۱			
$\beta = ۰/۱۵$	۱۳/۸۱	۰/۰۸	۰/۲۹
T= ۲/۶۴	۰/۰۰۱		سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی
P= ۰/۰۰۹			
B= ۲/۲۴			
$\beta = ۰/۱۶۵$	۱۴/۴۶	۰/۰۹	۰/۳
T= ۲/۸۶	۰/۰۰۱		باورهای غیرمنطقی $\times$
P= ۰/۰۰۵			سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی

لازم به ذکر است که به دلیل عدم پیش‌بینی‌کنندگی برخی از متغیرها، تنها متغیرهایی که به لحاظ آماری معنادار شدند در جدول ۳ گزارش شده‌اند.

### بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دل‌بستگی در رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی انجام شد. فرضیه اول پژوهش این بود که باورهای غیرمنطقی با

مشکلات زناشویی زوجین رابطه مثبت دارند. نتایج حاصل از ضرایب همبستگی پیرسون نیز با تأیید این فرضیه و همسو با مطالعات صورت گرفته در این زمینه (آدیس و برنارد، ۲۰۰۲؛ مولر و همکاران، ۲۰۰۱؛ همامسی، ۲۰۰۵) نشان داد که با افزایش به کارگیری باورهای غیرمنطقی در زوجین، مشکلات زناشویی نیز افزایش می‌یابد. در ارتباط با این یافته می‌توان گفت که باورهای غیرمنطقی به طور مستقیم به دلیل همراه داشتن نگرانی‌ها، انتظارات، نشخوارهای فکری و حساسیت‌ها در یک زمینه خاص و به طور غیرمستقیم با تأثیرگذاری در بروز اختلالات روانی از قبیل افسردگی و اضطراب (یوبلاکر و ویسمن، ۲۰۰۵؛ بریگس و هارنیش، ۲۰۱۰) و پیامدهای منفی شناختی، هیجانی و رفتاری مرتبط با این اختلالات، می‌توانند در شکل‌گیری و استمرار مشکلات زناشویی نقش داشته باشند (مولر و همکاران، ۲۰۰۱). همچنین، وجود باورهای غیرمنطقی تحکمی از قبیل بایدهای دیگر محور در یک یا هر دو زوج، می‌تواند با اعمال کنترل بر طرف مقابل، نیاز به خودپیرو بودن و انجام رفتارها به خواست و اراده خود را در همسر ممانعت کند. به علاوه، تأیید، تحسین و برقراری رابطه‌ای گرم و صمیمی با طرف مقابل مشروط به پیروی از باورها و ارزش‌های مورد قبول خود، مانع از ارضاء نامشروط نیازهای شایستگی و ارتباط در همسر شده و بدین ترتیب، داشتن این قبیل باورهای تحکمی می‌تواند با ممانعت از ارضاء نیازهای بنیادین روانی همسر، مانع شکل‌گیری رابطه‌ای حمایت‌گر، صمیمی و متعهدانه در زوجین شده و بروز مشکلات زناشویی را موجب شود (دسی و رایان، ۲۰۰۰).

در رابطه با فرضیه دوم پژوهش نیز نتایج حاصل از ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با مشکلات زناشویی همبستگی منفی و سبک‌های دلبستگی نایمن با این دسته از مشکلات همبستگی مثبت دارند. این یافته‌ها با مطالعات صورت گرفته در این زمینه (اپستین، باکوم و لاتیلید، ۲۰۰۶؛ استاکرت و بارسیک، ۲۰۰۳؛ بشارت، ۱۳۸۰ الف، ۲۰۰۳؛ سیمپسون و رولس، ۲۰۰۲) هم‌خوان هستند. مطابق با همبستگی مثبت نشان داده شده بین سبک دلبستگی ایمن با صفات شخصیتی از قبیل برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، همسازی و وظیفه‌شناسی که خود رابطه مثبت با سازگاری زناشویی دارند (بشارت، ۱۳۸۳؛ بشارت، کریمی و رحیمی نژاد، ۱۳۸۵)، افراد با سبک دلبستگی ایمن با داشتن ویژگی‌هایی از قبیل اتخاذ دیدگاهی مثبت راجع به خود و دیگران، داشتن اعتماد به دیگران، احساس امنیت بالا (بالی، ۱۹۷۳؛ به نقل از جانسون، ۲۰۰۳)، به کارگیری باورهای غیرمنطقی کمتر (استاکرت و بارسیک، ۲۰۰۳) و داشتن تعهد، صمیمیت و مهارت‌های حل مسأله (بشارت و فیروزی، ۱۳۸۵؛ کوبک و هازن، ۱۹۹۱) می‌توانند از یک طرف نیازهای روانی بنیادین همسر خود را به خوبی ارضاء کنند (دسی و رایان، ۲۰۰۰) و از طرف دیگر، با برقراری ارتباطی سازنده با همسر خود، به هنگام رخ دادن مشکلات زناشویی، این تعارضات را به نحو بهتری حل کنند. در مقابل، مطابق با همبستگی مثبت میان سبک‌های دلبستگی نایمن با صفت شخصیتی نوروگرایی (بشارت، ۱۳۸۳؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۵)، افراد با سبک‌های دلبستگی نایمن با داشتن مدل‌های درونکاری نایمن نسبت به خود و دیگران (بارتولومئو و هورویتز، ۱۹۹۱؛ بشارت، گلی نژاد و احمدی، ۱۳۸۲)، نداشتن اعتماد و روابط صمیمی با دیگران و یا داشتن ترس از طرد و دغدغه ذهنی نسبت به بی‌توجهی آنها (بشارت و فیروزی،

۱۳۸۵؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۳)، کمک نخواستن از دیگران و یا بزرگ کردن و برخورد خشمگینانه در هنگام مواجهه با تعارضات (سیمپسون و رولس، ۲۰۰۲؛ گوئین و همکاران، ۲۰۰۸)، به کارگیری باورهای غیرمنطقی (استاکرت و باریسک، ۲۰۰۳) و آمادگی بیشتر برای دچار شدن به آشفتگی‌های روانی از قبیل پرخاشگری (توید و دوتان، ۱۹۹۸)، اضطراب (ورن، هاستون، اگلاند و سروف، ۱۹۹۷)، ناگویی هیجانی (بشارت، ۱۳۸۸) و سوءمصرف مواد (هوسانگ و چاسین، ۱۹۹۴)، در برقراری ارتباطی سازنده و صمیمی با همسر و همچنین، حل تعارضات رخ داده، ناتوان خواهند بود.

در ارتباط با فرضیه سوم پژوهش نیز نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و باورهای غیرمنطقی زوجین رابطه منفی و بین سبک‌های دلبستگی نایمن با باورهای غیرمنطقی زوجین رابطه مثبت وجود دارد. این یافته‌ها با مطالعات صورت گرفته در این زمینه (کولینز و رید، ۱۹۹۰؛ واردن و همکاران، ۲۰۰۸؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷)، هم‌خوان هستند. مطابق با نظریه دلبستگی، افراد با سبک دلبستگی ایمن به دلیل رابطه والد-فرزندی ایمن در دوران کودکی، نه تنها نسبت به خود نگرشی مثبت دارند بلکه دیگران را نیز افرادی صمیمی و حامی می‌دانند، با آنها رابطه صمیمی برقرار می‌کنند، به دیگران اعتماد و تکیه می‌کنند و به هنگام بروز مشکلات به جای اغراق، انکار، خشمگین شدن و منزوی و تنها دانستن خود در مشکلات و تعارضات، روش‌های حل مسأله را به کار می‌گیرند. از این‌رو، مطابق با مطالعات صورت گرفته و یافته‌های پژوهش حاضر، افراد با دلبستگی ایمن، باورهای غیرمنطقی‌ای از قبیل تحکم کردن به دیگران، فاجعه‌نمایی مشکلات، تحمل اندک ناکامی، ناچیزشماری خود و دیگران و کمال‌گرایی منفی را کمتر به کار می‌گیرند. در مقابل افراد با سبک‌های دلبستگی نایمن به دلیل رابطه والد-فرزندی نایمن در کودکی، مدل‌های درون‌کاری منفی نسبت به خود و دیگران اتخاذ می‌کنند، به دلیل اجتناب از برقراری ارتباط با دیگران یا برعکس غرق شدن در رابطه، ارتباطات با کیفیت و پاسخ‌دهنده با دیگران ندارند و به هنگام بروز مشکلات یا خود را تنها و منزوی می‌دانند یا به اغراق و بزرگ‌نمایی آنها می‌پردازند.

در نهایت، با تایید فرضیه چهارم پژوهش، تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که سبک‌های دلبستگی رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی را تعدیل می‌کنند. این یافته با مطالعه انجام شده توسط استاکرت و باریسک (۲۰۰۳) مطابقت می‌کند. با این حال، در رابطه با چگونگی این اثر تعدیلی مطالعات اندکی صورت گرفته است (استاکرت و باریسک، ۲۰۰۳). با توجه به مطالعات انجام شده که در تبیین‌های بیان شده برای فرضیات مطرح شد، می‌توان گفت که افراد با سبک دلبستگی ایمن در بزرگسالی، از یک‌رو، با به کارگیری باورهای غیرمنطقی کمتر که خود رابطه‌ای مثبت با مشکلات زناشویی دارند، بروز مشکلات و تعارضات زناشویی کمتری را موجب می‌شوند و از طرف دیگر، به هنگام روی دادن تعارضات و مشکلات زناشویی به جای انتقاد و سرزنش خود و دیگران و یا انزوا، خشم و اغراق در تعارضات، با برقراری ارتباط سازنده با همسر خود، به حل تعارضات زناشویی می‌پردازند. در مقابل، مطابق با مطالعات صورت گرفته، این موارد در افراد با سبک‌های دلبستگی نایمن معکوس است. به عبارت دیگر، افراد با سبک دلبستگی نایمن نه تنها با داشتن باورهای غیرمنطقی بیشتر، تعارضات

زناشویی را افزایش می‌دهند، بلکه به هنگام روی‌دادن این تعارضات و مشکلات، به دلیل نداشتن مهارت‌های حل مسأله و عدم برقراری رابطه‌ای سازنده با طرف مقابل، به تشدید مشکلات رخ داده می‌پردازند.

### نتیجه‌گیری

خلاصه نتایج این پژوهش رامی توان در قالب دستاوردهای نظری و عملی به این شرح مطرح کرد: در سطح نظری، نتایج این پژوهش می‌توانند به شناخت بهتر عوامل تاثیرگذار بر مشکلات زناشویی کمک کنند. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند نتایج پژوهش‌های پیشین و نظریه‌های مربوط به رابطه باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی، و اهمیت و جایگاه سبک‌های دلبستگی در رابطه با این متغیرها و روابط زوجین را تایید کند و پرسش‌ها و فرضیه‌های جدیدی مطرح سازد. نمونه‌ای از این پرسش‌ها عبارتند از: چه متغیرهای دیگری می‌توانند نقش تعدیل‌کننده یا واسطه‌ای در رابطه بین باورهای غیرمنطقی و مشکلات زناشویی داشته باشند؟ در سطح عملی، یافته‌های پژوهش حاضر می‌توانند مبنای تجربی مناسب برای تدوین برنامه‌های آموزشی و بهداشتی در چارچوب روابط بین شخصی، مخصوصاً روابط زوجین؛ برنامه‌های مداخله و مدیریت هیجانها؛ و برنامه‌های درمانی مبتنی بر کاهش مشکلات زناشویی و افزایش رضایت زوجین قرار گیرد. جامعه آماری پژوهش حاضر به افراد متاهل شهر کرمان محدود می‌شود و در تعمیم نتایج باید احتیاط کرد. طرح همبستگی پژوهش حاضر نیز امکان تفسیرهای علت‌شناختی را با محدودیت مواجه می‌سازد. روش نمونه‌گیری هدفدار نیز از دیگر محدود کننده‌های تعمیم‌پذیری پژوهش حاضر محسوب می‌شود. توجه به تفاوت‌های فرهنگی در باورهای غیرمنطقی، که ممکن است نتایج پژوهش حاضر را تحت تاثیر قرار داده باشد، به‌عنوان پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده مطرح می‌شود. همچنین بررسی نقش تعدیل‌کننده یا واسطه‌ای متغیرهای تاثیرگذار احتمالی دیگر مثل راهبردهای مقابله‌ای زوجین، مهارت‌های ارتباطی و بین شخصی زوجین، مکانیسم‌های دفاعی، استحکام من و ویژگی‌های شخصیتی فردگرایی و جمع‌گرایی برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شوند.

## منابع

- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۰ الف). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین نابارور. *فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی*، ۲۰-۱۹، ۶۶-۵۶.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۰ ب). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با برون‌گرایی و نوروزگرایی. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۰، ۱۱۰-۱۲۲.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۴). *هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال*. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- بشارت، محمدعلی؛ فیروزی، منیژه (۱۳۸۵). سبک‌های دلبستگی و ترس از صمیمیت. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۷، ۱۵-۵.
- بشارت، محمدعلی؛ گلی‌نژاد، محمد؛ احمدی، علی اصغر (۱۳۸۲). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین‌شخصی. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۲۱، ۸۳-۷۴.
- بشارت، محمدعلی، کریمی، کیومرث و رحیمی‌نژاد، عباس. (۱۳۸۵). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ابعاد شخصیت. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳۶، ۵۵-۳۷.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۶). *بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ارزیابی باورهای شخصی*. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۸). سبک‌های دلبستگی و نارسایی هیجانی. *پژوهش‌های روانشناختی*، ۲۴، ۸۰-۶۳.
- Addis, J., & Bernard, M. E. (2002). Marital conflict and irrational beliefs. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 20, 3-13.
- Besharat, M. A. (2003). Relation of attachment style with marital conflict. *Psychological Reports*, 92, 1135-1140.
- Besharat, M. A. (2011). Development and validation of Adult Attachment Inventory. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 475-479.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-244.
- Bridges, K. R. & Harnish, R. J. (2010). Role of Irrational Beliefs in Depression and Anxiety: A review. *Health*, 8, 862-877.
- Collins, N. L. & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.

- Collins, N. L. (1996). Working models of attachment: Implications for explanation, emotion, and behavior. *Journal of Personality and Social Psychology, 71*, 810-832.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry, 11*, 227-268.
- Demaria, T., Kassinove, H., & Dill, C. (1989). Psychometric properties of the Survey of Rational Beliefs: a rational-emotive measure of irrational thinking. *Journal of Personality Assessment, 53*, 329-341.
- Ellis, A. (2003). The nature of disturbed marital interaction. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive Behavior Therapy, 21*, 147-153.
- Epstein N., Baucom, D. H., & Lataillade, J. A. (2006). *Marital Problem. Practitioners guide to evidence-based psychotherapy*. New York. Springer.
- Feeny, J. A., & Noller, P. (1990). Attachment Style as a Predictor of Adult Romantic Relationships. *Journal of Personality and Social Psychology, 58*, 281-291.
- Feeny, J. A. (1999). Adult Attachment, Emotional control and marital satisfaction. *Personal Relationships, 6*, 169-185.
- Gottman, J. M. (1998). Psychology and the study of Marital Processes. *Annual Review of Psychology, 49*, 169-197.
- Guin, J. P., Glaser, R., Loving, T. J., Malarkey, W. B., Stowell, J., Houts, C., et al. (2008). Attachment Avoidance Predicts Inflammatory Responses to Marital Conflict. *Journal of Brain, Behavior, and Immunity, 23*, 898-904.
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital Conflict. *Journal of Rational Emotive & Cognitive Behavior Therapy, 23*, 245-260.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic Love Conceptualized as an Attachment Process. *Journal of Personality and Social Psychology, 52*, 511-524.
- Hussong, A. M., & Chassin, L. (1994). The stress-negative affect model of adolescent alcohol use: Disaggregating negative affect. *Journal of Studies on Alcohol, 55*, 707-718.
- Johnson, S. M. (2003). Introduction of attachment: A Therapist’s guide to primary relationships and their renewal. In S. M. Johnson, & V. E. Whiffen, (Eds.), *Attachment Processes in Couple and Family Therapy*. A Division of Guilford Publication New York. London. NY 10012. Guilford Press.
- Kobak, R.R., & Hazan, C. (1991). Attachment in Marriage-Effects of security and accuracy of working models. *Journal of Personality and Social Psychology, 60*, 861-869.

- Meredith, P., Ownsworth, T., & Strong, J. (2008). A Review of the evidence linking Adult Attachment Theory and chronic pain: Presenting a Conceptual model. *Clinical Psychology Review, 28*, 42-429.
- Moller, A. T. & Merwe, V. J. D. (1997). Irrational beliefs, interpersonal perception and marital adjustment. *Journal of Rational Emotive & Cognitive Behavioral Therapy, 15*, 269-279.
- Moller, A. T., Rabe, H. M., & Nortje, C. (2001). Dysfunctional beliefs and marital conflict in distressed and nondistressed married individuals. *Journal of Rational Emotive & Cognitive Behavior Therapy, 19*, 250-270.
- Noller, P. & Feeny, J. A. (1998). Communication in early marriage: Response to conflict, nonverbal accuracy and conversational patterns. In T. N. Bradbury (Ed.), *The Developmental course of Marital Dysfunction* (First ed. pp. 11-47). Cambridge University Press.
- Piorkowski, J., K. (2008). *Adult children of divorce, confused love seekers*. London: Greenwood Publishing Groupe.
- Rust, J., Bennun, I., Crow, M., & Golombok, S. (1986). The Golombok-Rust Inventory of Marital State Questionnaire. *Sexual and Marital Therapy, 1*, 55-60.
- Sanford, K. (2006). Communication during marital conflict: When couples alter their appraisal, they change their behavior. *Journal of Family Psychology, 20*, 256- 265.
- Simpson, J. A., Rholes, W. S., & Phillips, D. (1996). Conflict in close relationships: An attachment perspective. *Journal of Personality and Social Psychology, 71*, 899-914.
- Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (2002). Attachment orientation, marriage, and transition to parenthood. *Journal of Research in Personality, 36*, 622-628.
- Stackert, R. A., & Bursik, K. (2003). Why am I unsatisfied? Adult attachment style, gendered irrational relationship beliefs , and young adult romantic relationship satisfaction. *Journal of Personality and Individual Differences, 34*, 1419-1429.
- Tweed, R.G., & Dutton, D.G. (1998). A comparison of impulsive and instrumental subgroups of batterers. *Violence & Victimology, 13*, 217-230.
- Uebelecker, L. A., & Whisman, M. A. (2005). Relationship beliefs, Attribution, and partner behaviors among depressed married women. *Cognitive Therapy and Research, 22*, 143-154.
- Young, E. M., & Long, L. (1998). *Counseling and therapy for couples*. New York: Intonation Thomson Publishing Company.
- Warren, S. L., Huston, L., Egeland, B., & Sroufe, L. A. (1997). Child and adolescent anxiety disorders and early attachment. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry, 36*, 637-644.

Wearden, A., Peters, I., Berry, K., Barrowclough, C., & Liverside, T. (2008). Adult Attachment, parentin Experience, and Core Beliefs about Self and others. *Personality and Individual Differences, 44*, 1246-1257.